

تحلیل نظام مدیریت نوین روستایی و توسعه محیطی - اکولوژیک و کالبدی - فضایی روستایی (مطالعه موردی: ناحیه مرکزی استان گیلان)

محمدنصیری لاکه

دانشجوی دکترای برنامه ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

نصراله مولایی هاشجین^۱

استاد جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

عیسی پورمضان

استادیار جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۲۱

چکیده

هدف اصلی از انجام این پژوهش تحلیل نظام تحلیل نظام مدیریت نوین روستایی و توسعه محیطی - اکولوژیک و کالبدی-فضایی روستایی در ناحیه مرکزی گیلان است. جامعه آماری پژوهش ناحیه مرکزی استان گیلان، شامل ۹۳۹ روستا می‌باشد. به منظور انتخاب نمونه‌ها به نسبت روستاهای هر شهرستان در ناحیه و با توجه به جمعیت و وضعیت جغرافیایی، تعداد ۱۲۰ روستا به صورت تصادفی انتخاب شد. با استفاده از پرسشنامه، نظر کارشناسان و متخصصان امر جمع‌آوری گردید. بعد از جمع‌آوری داده‌ها و استخراج اطلاعات، طبقه‌بندی و تهیه جداول توزیع فراوانی داده‌ها به منظور آزمون فرضیه‌ها و ارزیابی آن‌ها، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به منظور سنجش بعد محیطی - اکولوژیک، ۲۶ گویه در پرسشنامه طراحی شد. میانگین کل گویه‌های محیطی - اکولوژیک برابر ۳/۶۸ شده است که چون از متوسط میانگین طیف یعنی ۳ بالاتر شده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بهبود نظام مدیریت نوین روستایی بر توسعه ابعاد محیطی - اکولوژیک روستاها مؤثر است. با توجه به تحلیل انجام شده، بهبود وضع زیست محیطی روستا، همکاری با واحدهای امداد رسانی در زمان وقوع حوادث، مراقبت بر سلامت دام، طیور و آبریزان از طریق واکسیناسیون، تهیه طرح‌های پیشنهادی در زمینه‌های محیطی - اکولوژیک، حفظ منابع طبیعی از بیشترین فراوانی برخوردار بوده است. همچنین درستی و ارتباط متغیرها در فرضیه از طریق آزمون t مورد تأیید قرار گرفت. به منظور سنجش بعد کالبدی - فضایی، ۱۲ گویه در پرسشنامه طراحی شد. در مجموع، میانگین کل گویه‌های کالبدی - فضایی برابر ۳/۹۴ شده است که چون از متوسط میانگین طیف یعنی ۳ بالاتر شده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بهبود نظام مدیریت نوین روستایی بر توسعه ابعاد کالبدی - فضایی روستاها مؤثر است. با توجه به تحلیل انجام شده، گویه‌های «صدور پروانه ساخت در محدوده قانونی روستا»، «توسعه زیرساخت‌های مختلف در روستا»، «میزان همکاری با بنیاد مسکن در اجرای طرح هادی»، «ارتقاء کیفیت خانه‌های روستایی و مقاوم‌سازی آن‌ها» در بخش کالبدی - فضایی با کسب بیشترین امتیازات، نسبت به سایر گویه‌ها، از بیشترین فراوانی برخوردار بوده است. همچنین درستی و ارتباط متغیرها در فرضیه از طریق آزمون t مورد تأیید قرار گرفت.

واژگان کلیدی: توسعه روستایی، توسعه محیطی، توسعه کالبدی، مدیریت روستایی، مدیریت نوین.

مقدمه

از هنگامی که توسعه کشورها در سرلوحه امور کلان مملکتی مطرح شد، توسعه روستایی نیز مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفت. مفهوم توسعه روستایی از دهه ۱۹۷۰ میلادی تاکنون در ابعاد مختلف، دستخوش تغییرات اساسی شده است و این تحولات مهم، فقط به دلیل استقرار بخش زیادی از جمعیت کشورها در عرصه‌های روستایی نبوده است، بلکه به دلیل اهمیت و تأثیر مهمی است که ابعاد توسعه روستایی، بر توسعه ملی هر کشور دارد. در این چارچوب امروزه توسعه روستاها در مقایسه با گذشته، در ارتباط تنگاتنگی با مدیریت روستایی است و بسیاری از صاحب‌نظران توسعه روستایی، مدیریت را عامل مهم و مؤثر در توسعه روستایی قلمداد می‌کنند. توسعه روستایی، پدیده‌ای چندبعدی، با رویکرد جامع‌نگر و نظام‌مند مطرح می‌گردد که دارای ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی-فضایی و زیست‌محیطی است (Karimi & Ahmadvand, 2014: 24).

به‌طور کلی در دوره قبل از انقلاب اسلامی، جامعه روستایی کشور به دلیل فقر شدید اقتصادی و فرهنگی و فقدان قدرت ناشی از مردم و حاکمیت مدیریت استبدادی ارباب رعیتی نتوانست در عرصه انقلاب مشروطه و تحولات بعدی آن، نقش موثری داشته باشد. به‌همین دلیل این تحولات در شهرها و توسط نخبگاه شهری و طبقه متوسط انجام شد. در این دوره؛ به دلیل وجود ساختار ارباب رعیتی در جامعه روستایی سه آسیب عمده و اساسی قابل شناسایی و بررسی می‌باشد. آسیب اول، مسائل اقتصادی و مشکلات ناشی از آن، آسیب دوم، اجتماعی و آسیب سوم، آغاز شهری شدن و شروع تضاد و شکاف بین جامعه شهری است (Molae Hashjin, 2018: 161).

یکی از ابعاد اصلی در توسعه روستایی، توسعه کالبدی-فضایی است. برنامه‌ریزی توسعه کالبدی - فضایی سکونتگاه‌ها به‌عنوان بخشی از فرایند توسعه پایدار منطقه‌ای زمینه تثبیت، نگهداشت و جذب جمعیت و به‌تبع آن فعالیت را برای آنان فراهم می‌نماید؛ زیرا توسعه کالبدی-فضایی و برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌های مربوط به آن با تکیه بر نگرش سیستمی هم به وضع موجود و هم آینده توجه دارد. یکی دیگر از ابعاد توسعه روستایی، محیطی - اکولوژیک است. در واقع شرایط پایداری بوم‌شناختی و محیطی باید به‌طورجدی مطرح شود. توجه به پایداری بوم‌شناختی موجب می‌گردد که گسترش توسعه منجر به ایجاد تغییرات نامطلوب در اکوسیستم نشود (Molae Hashjin, 2015: 3). بعد محیطی دارای شاخص‌های مختلفی همچون آب‌های زیرزمینی، آب شیرین، کشاورزی و امنیت غذایی، شهرسازی، مناطق ساحلی، حفظ تپه‌های مرجانی و محیط‌زیست دریا، آبیان، تنوع گونه‌ها و بیوتکنولوژی، مدیریت پایدار جنگل‌ها، آلودگی هوا و تخریب لایه ازن، تغییر اقلیم جهانی و بالا آمدن آب دریاها، بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی، گردشگری پایدار، تغییر کاربری اراضی است.

امروزه صاحب‌نظران و متفکران توسعه، رسیدن به توسعه یکپارچه و پایدار روستایی را مستلزم مدیریتی کارآمد و مؤثر می‌دانند که بتواند با به‌کارگیری همه منابع و امکانات و از طریق شیوه‌های خلاق، اهداف توسعه را مدنظر قرار دهد و با برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هماهنگی و رهبری، توسعه متوازن و پایدار را برای روستاها رقم بزند. بنابراین با توجه به ارتباط تنگاتنگ و دوسویه میان مدیریت و توسعه روستایی؛ می‌توان گفت که جهت تحقق توسعه پایدار در همه ابعاد، باید به مقوله مدیریت توجه ویژه‌ای داشت و مدیریت؛ رکن مهم و لاینفک توسعه روستایی است. تجربه کشورهایی نظیر: هند، چین و آمریکا نشان می‌دهد که آن‌ها از طریق مدیریت روستایی توانسته‌اند تا حد زیادی بر

مشکلات نواحی روستایی فائق آمده و به توسعه روستایی دست یابند. این کشورها توانسته‌اند با اعمال روش‌های نوین مدیریت و توجه به مشارکت ساکنین روستاها؛ فرایند توسعه را دنبال کنند و به نتایج مطلوبی برسند. با توجه به اینکه مناطق روستایی به‌ویژه طی دو دهه اخیر با مشکلات بی‌سابقه‌ای مواجه شده‌اند (Tatlidil et al, 1093: 2009) و ریشه تمامی مشکلات و مسائل عقب‌ماندگی مثل فقر گسترده، نابرابری در حال رشد، رشد سریع جمعیت و بیکاری فزاینده در مناطق روستایی قرار دارد شناخت دقیق مسائل مربوط به روستاها از اهمیت بسیاری برخوردار است. تحقق توسعه به صورت دستوری و از بالا به پایین نیست و نسخه‌ای تجویزی ثابت برای همه مناطق ندارد؛ بلکه می‌بایست با در نظر گرفتن شرایط مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... هر منطقه و از طریق استفاده از سرمایه‌های اجتماعی بومی و محلی در راستای تحقق آن گام برداشت. در نگرش جدید توسعه؛ بازگشت به ویژگی متمایز تاریخی هر جامعه، از یک طرف و پرهیز از القای نسخه‌های تجویزی توسعه از بالا به پایین از طرف دیگر، تأکید می‌شود که در آن، هویت محلی زیربنای مدیریت محلی و مدیریت محلی ابزار اصلی توسعه پایدار روستایی به شمار می‌رود (Rezvani, 2005: 215). در واقع توسعه روستایی بر مشارکت روستائیان استوار است (Stelaji, 2012:45) هدف از این توسعه، بهبود زندگی مردمان روستایی در یک روند پایدار است. بنابراین با توجه به ارتباطی که میان ابعاد مختلف توسعه روستایی و مدیریت وجود دارد، این پژوهش در راستای آزمون دو فرضیه زیر در ناحیه مرکزی استان گیلان انجام می‌شود:

- بهبود نظام مدیریت نوین روستایی بر توسعه محیطی-اکولوژیک روستاهای ناحیه مرکزی استان گیلان مؤثر است.
 - بهبود نظام مدیریت نوین روستایی بر توسعه کالبدی-فضایی روستاهای ناحیه مرکزی استان گیلان مؤثر است.
- در راستای آزمون فرضیه های فوق، روش پژوهش مورد مطالعه از نظر ماهیت و روش؛ توصیفی - تحلیلی است. هدف پژوهش، اطلاع از وضعیت و سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های مورد مطالعه استان گیلان در ابعاد محیطی-اکولوژیک و کالبدی-فضایی است. در این راستا از تکنیک مشاهده مستقیم در بازدید از اقدامات دهیاری‌ها در این دو بعد توسعه استفاده شده است و سپس از طریق ابزار مصاحبه با متخصصان، مدیران و دست‌اندرکاران مدیریت روستایی و توزیع پرسشنامه بر مبنای مفاهیم تحقیق و متغیرها، جمع‌آوری نظرات آنان انجام گرفته است.

مبانی نظری

توسعه روستایی

توسعه جریانی چند بعدی است که در خود، تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد (Papoliyazdi, 2011: 32). از دیدگاه دیگر توسعه مفهومی کیفی است که امکان دسترسی بیشتر به کالاها و خدمات تداوم بخش زندگی انسان‌ها را فراهم کرده، سطح زندگی و بهره‌مندی انسان‌ها از مواهب مادی را افزایش داده و نهایتاً دامنه انتخاب، آزادی اندیشه‌ها و برابری افراد جامعه در برابر قانون را گسترش می‌دهد. در این چارچوب توسعه روستایی توسعه روستایی را می‌توان فرایندی از تغییرات و تحولات با هدف بهبود و ارتقای کمی و کیفی سطح زندگی جامعه روستایی دانست. فرایندی که به ایجاد تعادل و توازن زیستی بین دو فضای شهری و روستایی می‌انجامد و عمدتاً در پی ایجاد توان و کارایی لازم برای جمعیت کم‌درآمد و فقیر روستایی است که کمتر

قادر است به روی پای خود بایستد (Moteelangrodi, 2014: 81). منظور از توسعه روستایی، توسعه در همه ابعاد است به طوری که منجر به افزایش سطح اقتصادی و اجتماعی روستائیان شود. با دگرگون شدن مفاهیم توسعه، نماگرها و شاخص‌های اندازه‌گیری آن نیز دستخوش دگرگونی شدند. پیش از سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۵۰، بیشتر شاخص‌های اندازه‌گیری توسعه، رویکردی کمی داشتند و در واقع در این دوره، توسعه بیشتر به‌عنوان یک تغییر و تحول کمی ارزیابی می‌شد و ناهمسانی چشمگیری میان دو مفهوم رشد و توسعه در متون اقتصادی به چشم نمی‌خورد (Fetres et al, 2011: 114). از آن زمان تاکنون با توجه به تنوع مفاهیم و دیدگاه‌ها در زمینه توسعه، نظریه‌ها و الگوهای متعددی درباره توسعه و توسعه‌یافتگی مطرح شده و در هر دوره‌ای یک یا چند الگو به عنوان الگوی مسلط عمل کرده است (Rezvani, 2011: 77). اگر مقوله توسعه را با دید جامع‌تری بنگریم، می‌توان گفت در دهه ۱۹۵۰ الگوی رشد، در دهه ۱۹۶۰ الگوی ساختارگرا یا باز توزیع منابع، در دهه ۱۹۷۰ الگوی تأمین نیازهای اساسی و از دهه ۱۹۸۰ به بعد الگوی توسعه پایدار به عنوان الگوی مسلط در ادبیات توسعه طی نیم قرن اخیر مطرح بودند.

بنابراین آنچه امروزه در مورد توسعه مناطق روستایی مطرح است، توسعه پایدار روستایی است. توسعه‌ای که بتواند نیازهای کنونی بشر را تأمین کند بدون آنکه توان‌های محیطی و زیستی نسل‌های آینده را در تأمین نیازهایشان به خطر اندازد (Shayan et al, 2011: 102).

بنا به نظر ساردف^۱ توسعه پایدار روستایی عبارت است از: فرایند کمک به مردم روستایی از طریق اولویت‌بندی نیازهایشان، فعال نمودن آن و سرمایه‌گذاری در زمینه ایجاد زیرساخت‌ها و ارائه خدمات اجتماعی، برقراری عدالت و برابری با توجه به ظرفیت‌های محلی، رفتارهایی برخلاف همه بی‌عدالتی‌های گذشته و تضمین سلامتی و امنیت آن‌ها به‌ویژه زنان تأکید دارد (Dashti et al, 2008: 28). ویلامسون^۲ نیز در تعریف توسعه پایدار روستایی معتقد است هماهنگ کردن فعالیت‌ها به‌صورت سازگار با طبیعت و نه در جهت تخریب آن مؤثر می‌داند (Abdolahi et al, 2009: 28). توسعه پایدار روستایی؛ رهیافتی برای توسعه است که در آن، کارایی و توسعه با هم تلفیق شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که کارایی متضمن استفاده بهینه از منابع، عدالت متضمن فقرزدایی و کاهش شکاف بین فقرا و ثروتمندان و هدف از پایداری نیز معیشت با حفظ امرارمعاش آینده از طریق منابع طبیعی باشد.

توسعه پایدار محیطی-اکولوژیک:

یکی از ابعاد مهم توسعه؛ توسعه در بعد محیطی و اکولوژیک است. از این نظر حفظ و بهبود محیط‌زیست یکی از اساسی‌ترین اهداف کشورهای جهان امروز را تشکیل می‌دهد و در واقع مهم‌ترین دغدغه قرن حاضر دولت‌های بین‌المللی به شمار می‌آید و به تبع نیل به آن قوانین حمایتی مختلفی از سوی دول جهانی وضع گردیده است. اگر درک شود که محافظت از منابع و محیط‌زیست در راستای ایفای نقش بهتر رفاه انسانی به نحو مطلوب مدیریت شوند (Moteelangrodi, 2014: 79). آنگاه نیاز به یک مدیریت توسعه‌ای با رویکرد محیطی - اکولوژیک است (Molae Hashjin, 2015: 54). بر این اساس، هدف از مدیریت زیست‌محیطی در روستا، ایجاد زمینه‌ای برای

¹ Sardof

² Williamson

بهره‌گیری بهینه، مناسب و به اندازه از محیط و منابع طبیعی و منابع آن، بدون وارد کردن آسیب به محیط و عناصر آن و از جمله تنوع زیستی و اکوسیستم سالم است که با کاهش مخاطرات طبیعی و ... همراه است (Badri & Mousavi, 2009: 74). از آنجائی که شاخص‌های اکولوژیک شامل: تنوع زیستی، مصرف منابع، اکوسیستم‌ها، آلودگی‌های محیطی، دفع ضایعات، پوشش گیاهی و ایمنی است (Smaelzadeh et al, 2011: 129)؛ اما در طول چهار دهه گذشته، گسترش نظام‌های تولید کشاورزی بر منابع طبیعی پایه تأثیر منفی به سزایی داشته است. تقریباً ۴۰ درصد از زمین‌های قابل کشت جهان تخریب شده و در حدود ۲۰ میلیون هکتار از زمین‌های کشاورزی به علت فرسایش سالیانه، قابلیت کشت خود را از دست داده‌اند؛ معاش مردم روستایی به‌ویژه کشورهای در حال توسعه و ۱/۳ میلیارد از مردمی که در زمین‌های حاشیه‌ای زندگی می‌کنند به شرایط منابع طبیعی به عنوان سرمایه اصلی آنان بستگی دارد (Hasanshahi et al, 2009: 170). بنابراین فرسایش خاک به عنوان یکی از عوامل جدی تهدیدکننده حاصلخیزی خاک و در نتیجه کاهش توان تولیدی آن از جمله مهم‌ترین مسائل زیست‌محیطی کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود به‌گونه‌ای که گزارش‌ها در ایران حکایت از فرسایش ۳۳ تن در هکتار را دارند. علاوه بر این امروزه ۷۵ درصد آب کشاورزی هدر می‌رود که پیامدهای محیطی زیادی از قبیل: شوری خاک، پایین آمدن آب سفره‌های زیرزمینی، اشباع شدن و تخریب کیفیت آب را در برداشته است. یکی دیگر از عوامل آسیب‌شناسی مدیریت توسعه پایدار اکولوژیک متوجه روستائیان، تخریب محیط طبیعی، عدم هماهنگی شیوه‌های ساخت‌وساز روستایی جدید با محیط بومی و نادیده گرفتن اصول توسعه پایدار در این‌گونه از بناها، از مشکلات و مسائل عمده‌ای است که روستاهای ایران با آن روبرو هستند. بازیافت زباله و بهره‌گیری از سیستم‌های دفع پساب روستایی همسو با پیشرفته‌ترین فناوری روز و تشویق بخش کشاورزی و صنعتی کردن روستاها با حفظ بهره‌گیری از اصالت روستایی و نیز استفاده از ابزارها و تجهیزات مناسب با استانداردهای زیست‌محیطی و جلوگیری از هرگونه عوامل تنش‌زایی در بر هم زدن نظم سینوپتیکی توسعه پایدار روستایی از عناوین اصلی این آسیب‌ها هستند (Molaei & Hashjin, 2015: 55). آندره گودی^۱ چهار خصیصه را برای توانایی محیط در مقابل تهاجمات زیست‌محیطی بیان می‌کند: آسیب‌پذیری، قابلیت سازش و انعطاف، قدرت ترمیم و بازگشت به وضعیت اول و قبول وضعیت ماندگاری و یا توانایی پایداری. از دیگر عامل آسیب‌شناسی مدیریت توسعه پایدار اکولوژیک پیدایش آسیب به دلیل تولید فاضلاب‌های خانگی که بر اثر زیاده‌روی در مصرف آب و در نتیجه تولید روزافزون فاضلاب خانگی و خدماتی است. از عواقب پیامدهای این آسیب‌دیدگی نیز به رشد و نمو انواع باکتری‌های ناقل بیماری‌های گوناگون در نتیجه افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی آن اشاره کرد (Shahbazi, 2010: 262). گفتنی است رویکردی که به توسعه و برنامه‌ریزی هماهنگی و سازگاری اهداف اجتماعی و اقتصادی را با مدیریت مناسب اکولوژیک مورد توجه قرار می‌دهد؛ روحیه تشریک مساعی با نسل‌های آینده؛ مبتنی بر اصل خوداتکائی، رضایتمندی از نیازهای اساسی، همزیستی مسالمت‌آمیز انسان و زمین است. به عبارتی نوع دیگری از رشد کیفی، نه رشد صفر و نه رشد منفی است.

¹ Andereh Goody

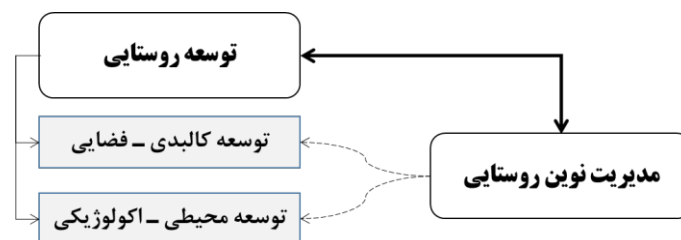
توسعه پایدار فضایی-کالبدی

امروزه توسعه پایدار کالبدی - فضایی به عنوان یک فرایند کلان پژوهشی در محافل علمی کشورها مطرح است. با عنایت به اینکه امروزه توسعه همپای زندگی بهتر تلقی می‌شود و جوامع نسبت به گذشته از آن بیشتر منتفع می‌گردند. به این جهت توسعه همان رشد اقتصادی نیست؛ زیرا توسعه جریانی چند بعدی است که در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر بهبود در میزان تولید و درآمد؛ شامل دگرگونی اساسی در ساختمان‌های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و وجه نظرهای عمومی مردم است. توسعه در بسیاری از موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در برمی‌گیرد (Setayesh, 2011: 13). شاخصه‌های مدیریت توسعه فضایی-کالبدی به چهار سطح تقسیم است که عبارت‌اند از: پایداری پضعیف، متوسط، قوی و مطلق. در این میان، پایداری مطلق به معنی بهره‌برداری غیرمخرب و بدون تهی سازی منابع طبیعی از همه بیشتر مورد تأکید قرار گرفت. در حال حاضر بنا به تحولات توسعه پایدار کالبدی- فضایی و رویکرد غالب حاکم بر ساختار فکری برنامه‌ریزان در سازمان‌دهی فضا و مهندسی جغرافیایی آن از قبیل دیدگاه توسعه نو، ایجاد زیرساخت‌های روستایی، همکاری‌های بین سازمانی، بهبود بهداشت محیط، دخالت دادن زنان در فرایند توسعه روستایی، بهره‌برداری از منابع محلی و در نهایت رویکرد آموزش و اطلاع‌رسانی و ترویج مورد امعان نظر علمی قرار گرفتند. بر این اساس و به جهت محسوس و قابل مشاهده بودن بعد مدیریت توسعه پایدار کالبدی - فضایی روستاها در سطح نقطه‌ای (هر روستا) و محدوده‌ای حوزه‌ها، مجموعه‌ها، منظومه‌ها و نواحی روستایی از یک طرف و نقش آن در استقرار و سکونت جمعیت روستایی و ضرورت برنامه‌ریزی کاربری اراضی روستایی در محدوده کالبدی اعم از مسکن و خدمات زیربنایی و روبنایی با راهبرد مهندسی جغرافیایی فضا از طریق فراهم کردن زمینه دسترسی به جای برخورداری از خدمات و امکانات روبنایی از طرف دیگر در کنار برنامه‌ریزی و تحقق ابعاد دیگر مدیریت توسعه، تحقق توسعه پایدار و پایداری روستاها و ایفای نقش و عملکرد بهتر سکونتگاه‌های روستایی را تضمین می‌کند (Molae Hashjin, 2015: 64).

مدیریت نوین روستایی

مدیریت؛ هنر و علم رسیدن به هدف‌ها توسط مردم است و یک فعالیت حیاتی در همه سطوح سازمان‌هاست (Olum, 2004: 2). مدیریت روستایی هم‌زمان با پیدایش اولین روستاها آغاز شده است و در طول تاریخ با توجه به مقتضیات اقتصادی، اجتماعی، محیطی، زمانی و مکانی از مکانی به مکان دیگر متفاوت بوده است (Badri, 2011: 148). به عبارتی از زمانی که در مناطق روستایی فرایندهای سیستماتیک ساختاری حاکم گردید، مفهوم مدیریت روستایی جایگاه ویژه‌ای پیدا نمود و به عنوان یک راهبرد در جهت نیل به توسعه روستایی و همچنین، یکی از شاخص‌های نوسازی اقتصاد ملی مطرح گردید (Sriram, 2007: 3). رهبری، زیرساخت‌ها و برنامه‌های تخصیص‌یافته سه عنصر مهم مدیریت روستایی هستند که در آینده مدیریت روستایی تأثیرگذارند (Sayd, 2000: 3). برنامه‌ریزان معتقدند که مدیریت روستایی باید سبب کاهش چشمگیر مهاجرت روستایی، از بین بردن شکاف اقتصادی اجتماعی بین شهر-روستا، توسعه کشاورزی و گسترش فرهنگ خودباوری در مناطق روستایی و کاهش

فقر روستایی گردد (Wenchang, 2008: 4). نقاط روستایی و جوامع روستانشین ایران از دیرباز مانند سایر جوامع انسانی دارای سلسله مراتب مدیریتی متناسب با اوضاع و احوال اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زمان خود بوده است؛ زیرا بدون نظم و نسق اجتماعی اصولاً اداره هیچ یک از جوامع بشری و از جمله مناطق روستایی امکان پذیر نبوده است (Hoseiniabri, 2001: 87). توسعه و عمران روستایی نیازمند یک تحول عمیق است به این معنی که اگر راه نیل به یک زندگی بهتر که روستائیان آن را بر وضعیت کنونی زندگی خویش ترجیح می دهند عبارت است از: ایجاد تغییر و دگرگونی؛ تجربه نشان می دهد که این راه باید از داخل خود روستاها شروع و به وسیله خود مردم روستایی کنترل شود و با سیستم بزرگ ناحیه ای پیوند خورده و در آن ادغام گردد و اگر توسعه روستایی را جریانی که مردم روستایی را هدایت می کند تا توان خود را جهت کنترل بر محیط خویش بالا ببرند؛ این جریان با توزیع بیشتر منافع بین مردم که خود نتیجه چنان کنترلی بر محیط است، همراه می شود. افزایش توانایی های مردم جهت کنترل محیط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود وظیفه اصلی است ولی آن کنترل منوط به کسب دانش و مهارت مربوط است. به عقیده بسیاری از دانشمندان برنامه ریزی روستایی؛ مدیریت روستایی که در گذشته در ایران اعمال می شده دارای نواقص زیادی بوده است؛ لذا اغلب این دانشمندان معتقد به اجرای مدیریت نوین روستایی می باشند. مدیریت جدید روستایی، بر ظرفیت های جوامع محلی، با اداره کردن دقیق مکان و بهره برداری از منابع آن متکی است (Badri & Mousavi, 2009: 14). منظور از مدیریت نوین روستای، دهیار است. دهیاری به عنوان نهاد عمومی و غیردولتی با شخصیت حقوقی مستقل است که به عنوان بازوی اجرایی شوراهای اسلامی روستایی به صورت خودکفا اداره می گردد که در سال ۱۳۷۷ قانون تأسیس دهیاری های خودکفا در روستاها به تصویب رسید و در نهایت از سال ۱۳۸۲ به عنوان متولیان جدید مدیریت روستایی؛ وظیفه مدیریت روستایی را عهده دار شدند (Barghi et al, 2014: 28). به طور کلی می توان مدیریت را به دو شکل سنتی و نوین تقسیم نمود. مدیریت روستایی نیز از این قاعده کلی مستثنی نمی باشد و بر این اساس دهیاری ها که مهم ترین بازوی اجرایی شورای اسلامی روستا می باشند، به عنوان مدیریت نوین قلمداد می شوند و باید کلیه خصیصه های مدیریت نوگرا را دارا باشند و در جهت توسعه پایدار روستایی گام بردارند (Mahdavi & Najafi kani, 2005: 22). در مدیریت مدرن امروز، مشارکت در کانون تصمیم گیری محسوب می شود. مشارکت در چند سال اخیر منجر به حضور در جوامع محلی شده، در بعضی از انواع سطوح و بخش های دولت مرکزی، بنگاه های دولتی نیمه مستقل و سازمان های داوطلبانه محلی متمایل شده است. موضوع مدیریت روستایی در ایران طی چند دهه گذشته و شاید در یک صد سال اخیر در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یکی از مهم ترین و حساس ترین معضلات و چالش های برنامه ریزیان و متخصصین بوده است (Taghdisi et al, 2011: 158).



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق (Source: Research of Authors, 2018)

در برنامه‌های مدیریت توسعه روستایی؛ توجه به این نکته ضروری است که تنها مشارکت دموکراتیک مردم نمی‌تواند متضمن تأمین رفاه روستائیان باشد؛ از این رو در جهت مشارکت بیشتر مردم در فرایند توسعه پایدار سرزمین خویش، رهیافت حکمروایی با ایجاد نهادهای محلی و مردمی ضروری است.

پیشینه تحقیق

ذات هر تحقیقی چنان است که جهت تقویت محتوای پژوهش، نیازمند استفاده از تجارب محققان قبلی است. زیرا با در نظر گرفتن یافته‌های آن‌ها، نه تنها نیاز به دوباره‌کاری نیست؛ بلکه دیدگاه و بینش بهتری می‌یابد. پیشینه تحقیق، یکی از عناصر مهم و اساسی هر تحقیقی به حساب می‌آید و دارای آثار مثبت زیادی است زیرا می‌توان با استفاده از تجربیات محققان در بخش‌های مختلف تحقیق، نظیر: تدوین فرضیه‌ها و سؤالات تحقیق، متغیرهای مستقل و وابسته، چارچوب نظری و ... استفاده نمود.

• احمد تقدیسی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیق بررسی و تحلیل میزان عملکرد دهیاران در مدیریت روستایی (بخش کونانی شهرستان کوهدشت) به منظور ارزیابی عملکرد دهیاران، تحقیقی به صورت پیمایشی و از نوع توصیفی تحلیلی در بخش کونانی شهرستان کوهدشت انجام دادند و پس از جمع‌آوری و پردازش داده‌ها نتیجه‌گیری شد که بین مدیریت روستایی و عملکرد دهیاری از نظر ابعاد اقتصادی - اجتماعی - کالبدی و زیست‌محیطی، رابطه معنادار وجود دارد.

• علی جهانگیری و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیق بررسی وضعیت کنونی و موانع پیش‌روی مدیریت روستایی ایران (بخش ویلکیج؛ شهرستان نمین) (همایش ملی توسعه روستایی، ۱۳۹۱)؛ به منظور بررسی موانع مدیریت روستایی با روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی؛ ۵۰ نفر از مردم در بخش ویلکیج شهرستان نمین را به عنوان نمونه انتخاب کردند و نتایج حاصله از نرم‌افزار SPSS حاکی از آن بود که مهم‌ترین موانع پیش‌روی دهیاران، کمبود منابع مالی - عدم هماهنگی بین شورا و دهیار فقدان آموزش و ... است.

• حجت شیخی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان بررسی و ارزیابی عملکرد دهیاران در روند مدیریت و توسعه روستایی (شهرستان همدان) به بررسی عملکرد دهیاران در قالب چهار شاخص فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، خدماتی و عمرانی پرداخته و نتیجه‌گیری شد که توجه دهیاران بیشتر به شاخص عمرانی بوده و کمترین توجه را به شاخص‌های اقتصادی داشته‌اند.

• اسکندر صیدایی و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیق بررسی و تحلیل عملکرد مدیران نوین روستایی در توسعه روستایی (منطقه اورامانات کرمانشاه) ضمن استفاده از روش بررسی توصیفی تحلیلی، از روش‌های کتابخانه‌ای، اسنادی، میدانی و مشاهده مستقیم به جمع‌آوری اطلاعات در خصوص عملکرد دهیاران منطقه اورامانات کرمانشاه پرداختند. جامعه آماری پژوهش، ۱۵۵۷۵ خانوار بود که با استفاده از فرمول کوکران، ۱۹۳ خانوار به عنوان جامعه نمونه انتخاب شد. نتایج به دست آمده از SPSS نشان داد که هرچند مدیران روستایی (کدخدا - دهیاران - دهیار) یکی از ارکان مهم توسعه روستایی می‌باشند؛ اما دهیاران کرمانشاه در توسعه پایدار؛ عملکرد ضعیفی داشته‌اند.

• پارسا التیامی فر (۱۳۹۳) در رساله خود با عنوان **ارزیابی عملکرد شوراهای اسلامی با رویکرد توسعه پایدار روستایی (نمونه موردی: دهستان پاتاوه)**؛ به بررسی عملکرد شوراهای اسلامی در سه بعد توسعه پرداخته و نتیجه‌گیری کرد تفاوت دیدگاه بین اعضای شورا و مردم نسبت به توفیق در ابعاد اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی توسعه وجود دارد.

• حیدری ساربان (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی از دیدگاه مردم محلی **مطالعه موردی شهرستان مشکین شهر** نتیجه‌گیری کرد که شش مؤلفه تقویت ظرفیت‌های شناختی-تقویت نظارت و استقلال عمل مردم محلی- تسهیل دسترسی به منابع و ارتقاء شاخص‌های اقتصادی - بومی‌گرایی توسعه- اعتمادسازی و رضایت‌مندی شغلی و حکمروایی مطلوب از مهم‌ترین عوامل بهبود مدیریت روستایی از نظر مردم محلی است. و پیشنهاد می‌دهد از نیروهای توانمند روستایی در مسائل مدیریتی روستا استفاده شود و شوراها و دهیاران به‌صورت مستمر تحت آموزش قرار گیرند و موضوع حقوق و مزایای آنان به عنوان یک عامل انگیزشی مورد توجه قرار گیرد.

• ندا کابلی فرد (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با عنوان **بررسی تأثیر عملکرد دهیاری‌ها بر توسعه پایدار روستایی شهرستان زنجان**، به بررسی عملکرد دهیاری‌ها بر پنج بعد توسعه روستایی پرداخت و نتایج حاکی از آن بود که از دید مردم، عملکرد دهیاران در بعد زیربنایی بیشترین و در بعد اقتصادی کمترین مقدار را داشت.

• ژیلا دانشور عامری و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان **تحلیل رضایتمندی روستائیان از عملکرد دهیاران در مدیریت نوین روستایی شهرستان اسکو** به‌منظور ارزیابی عملکرد دهیاران و تحلیل رضایت‌مندی روستائیان، به بررسی تمام روستاهای دارای دهیاری در شهرستان اسکو پرداخت و برابر نتایج پژوهش؛ رضایت روستائیان از عملکرد دهیاران، در پنج بعد اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، ایمنی و زیست‌محیطی در حد متوسط بود. و عملکرد دهیاران بیشتر در بعد اجتماعی بود.

منطقه مورد مطالعه

جامعه آماری پژوهش عبارت است از ناحیه مرکزی استان گیلان، در مجموع تعداد کل روستاهای ناحیه مرکزی استان گیلان، شامل ۹۳۹ روستا می‌باشند که از این تعداد ۸۷۷ روستا (۹۳ درصد) دارای سکنه هستند و تعداد ۶۷۰ روستا (۷۱ درصد) دارای دهیار هستند. روستاها بسته به ارتفاع آن‌ها از سطح دریا در دو طبقه: ساحلی - جلگه و کوهپایه‌ای - کوهستانی قرار دارند. به منظور انتخاب نمونه‌ها به نسبت روستاهای هر شهرستان در ناحیه مرکزی و با توجه به جمعیت و وضعیت جغرافیایی‌شان، تعداد ۱۲۰ روستا از روستاهای شش شهرستان ناحیه به صورت تصادفی انتخاب شدند. از تعداد ۱۲۰ روستای نمونه دارای مدیریت نوین روستایی، تعداد ۱۰ روستای بسیار بزرگ، تعداد ۳۲ روستای بزرگ، تعداد ۳۸ روستای متوسط و تعداد ۴۰ روستای کوچک می‌باشند (جدول ۱).

با استفاده از پرسشنامه، نظر کارشناسان و متخصصان امر جمع‌آوری گردید. در ادامه بعد از جمع‌آوری داده‌ها و استخراج اطلاعات، طبقه‌بندی و تهیه جداول توزیع فراوانی داده‌ها به منظور آزمون فرضیه‌ها و ارزیابی آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. داده‌های به دست آمده از پرسشنامه‌ها با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و با استفاده

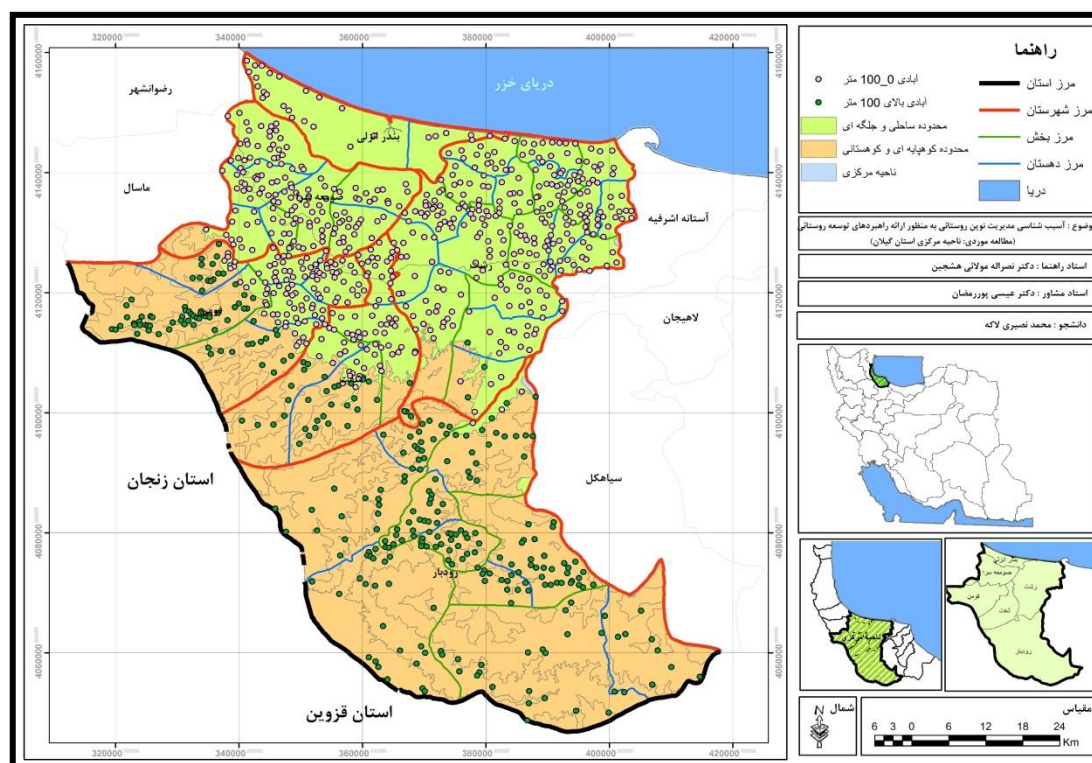
از نرم‌افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفت و شاخص‌های مرکزی و پراکندگی تبیین شد. همچنین برای ترسیم جداول، آزمون T استفاده گردید. البته لازم به ذکر است که جهت پایایی ابزار سنجش، از روش پیش آزمون و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به ویژه برای سؤالاتی که در قالب طیف طراحی شده، استفاده شده است. آلفای به دست آمده از ۲۹۴ پرسشنامه مقدماتی، ۰/۹۷۳ شده است که چون بالاتر از ۰/۷ است نشان می‌دهد که همبستگی درونی گویه‌ها زیاد است.

جدول ۱. روستاهای محدوده مطالعاتی و روستاهای نمونه بر اساس اندازه جمعیت در ناحیه مرکزی استان گیلان

ردیف	اندازه روستا	نوع روستا	کل روستاهای ناحیه		درصد انتخاب روستاهای نمونه	تعداد نمونه
			تعداد	درصد		
۱	بیشتر از ۲۵۰۰ نفر	بسیار بزرگ	۱۰	۱,۵	۱۰۰٪	۱۰
۲	۱۰۰۰ - ۲۴۹۹	بزرگ	۸۲	۱۲,۲۳	۴۰٪	۳۲
۳	۵۰۰ - ۹۹۹	متوسط	۱۸۹	۲۸,۲۱	۲۰٪	۳۸
۴	۱ - ۴۹۹	کوچک	۳۸۹	۵۸,۰۶	۱۰٪	۴۰
جمع			۶۷۰	۱۰۰	---	۱۲۰

Source: Research findings, 2018

استان گیلان با وسعتی برابر ۱۴۰۴۴ کیلومتر مربع مساحت در ۳۶ درجه و ۳۳ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۳۲ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار قرار گرفته است. محدوده مورد مطالعه در این پژوهش ناحیه مرکزی استان گیلان است. این ناحیه شامل شهرستان‌های رشت، رودبار، انزلی، فومن، شفت و صومعه‌سرا است. این ناحیه با مساحت ۶۲۲۱ کیلومتر مربع، تقریباً ۴۴ درصد از مساحت استان را تشکیل می‌دهد.



شکل ۲. جایگاه ناحیه مرکزی در استان گیلان (Source: Authors, 2018)

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، جمعیت روستایی ناحیه مرکزی استان گیلان با ۹۳۹ روستا برابر با ۴۲۷۶۵۲ نفر است. سهم نسبی جمعیت روستایی ناحیه مرکزی از جمعیت روستایی استان گیلان برابر با ۴۶ درصد است. از لحاظ ویژگی‌های طبیعی، روستاهای این ناحیه در دو طبقه جلگه‌ای و کوهپایه‌ای-کوهستانی قرار دارند.

یافته‌های تحقیق

در این پژوهش به منظور بررسی مدیریت نوین روستایی به دو بعد محیطی-اکولوژیک و کالبدی-فضایی توجه شده است. بدین صورت که برای سنجش وضعیت مؤلفه‌های «محیطی-اکولوژیک» تعداد ۲۶ گویه و مؤلفه‌های «کالبدی-فضایی» تعداد ۱۲ گویه در نظر گرفته شده است. در ادامه هر یک از این ابعاد به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) مدیریت نوین روستایی و توسعه محیطی-اکولوژیک

به منظور بررسی ابعاد «محیطی-اکولوژیک» توسعه روستایی، ۲۶ گویه به صورت طیف لیکرت در پرسشنامه طراحی شد، به طوری که مهم‌ترین گویه‌ها عبارت‌اند از: بهبود وضع زیست‌محیطی روستا، تقویت شبکه بهداشتی و دفع پسماند، حفاظت از گونه‌های گیاهی و جانوری، نظارت بر نظام کاربری اراضی و تهیه طرح‌های پیشنهادی در زمینه محیطی-اکولوژیک. جدول ۲ توزیع تعداد و درصد پاسخگویان به گویه‌های محیطی-اکولوژیک را نشان می‌دهد. به طور کلی می‌توان گفت که ۴۲ درصد از پاسخگویان، میزان تأثیر مدیریت نوین روستایی بر توسعه ابعاد محیطی-اکولوژیک را در سطح زیاد ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۲. توزیع تعداد و درصد پاسخگویان به گویه‌های محیطی-اکولوژیک

ردیف	گویه‌ها	تعداد پاسخ‌دهندگان	بسیار زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم	
			تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	بهبود وضع زیست‌محیطی روستا	۲۸۴	۲۸/۲	۸۰	۵۳/۲	۱۵۱	۱۶/۵	۴۷	۲/۱	۶	۰	۰
۲	تشویق روستاییان به رعایت سیاست‌های زیست‌محیطی دولت	۲۸۳	۱۵/۵	۴۴	۴۴/۹	۱۲۷	۳۲/۲	۹۱	۷/۱	۲۰	۰/۴	۱
۳	تأمین بهداشت محیطی روستاییان	۲۸۳	۲۶/۹	۷۶	۴۷/۳	۱۳۴	۲۱/۹	۶۲	۳/۵	۱۰	۰/۴	۱
۴	تزیین انهار عمومی و مجاری آب‌وفاضلاب و لایروبی	۲۸۴	۲۲/۲	۶۳	۴۶/۵	۱۳۲	۲۴/۳	۶۹	۶	۱۷	۱/۱	۳
۵	همکاری با واحدهای امداد رسانی در زمان وقوع حوادث	۲۸۰	۳۳/۶	۹۴	۵۰	۱۴۰	۱۱/۴	۳۲	۳/۶	۱۰	۱/۴	۴
۶	نظارت بر کشتار بهداشتی دام و عرضه گوشت	۲۷۹	۱۳/۳	۳۷	۴۳	۱۲۰	۳۰/۵	۸۵	۱۱/۵	۳۲	۱/۸	۵
۷	استفاده از انرژی‌های نو و تجدیدپذیر	۲۷۷	۶/۵	۱۸	۱۴/۸	۴۱	۲۹/۶	۸۲	۲۳/۵	۶۵	۲۵/۶	۷۱
۸	تقویت شبکه بهداشتی و دفع پسماند	۲۸۲	۲۳	۶۵	۴۱/۸	۱۱۸	۲۲/۳	۶۳	۱۰/۳	۲۹	۲/۵	۷
۹	ایجاد نهادها و گروه‌های کار محلی برای حفاظت از منابع طبیعی	۲۷۸	۱۴	۳۹	۴۳/۹	۱۲۲	۲۸/۴	۷۹	۱۰/۸	۳۰	۲/۹	۸
۱۰	حفاظت از گونه‌های گیاهی و جانوری	۲۷۹	۱۲/۵	۳۵	۳۰/۵	۸۵	۳۴/۸	۹۷	۱۶/۸	۴۷	۵/۴	۱۵
۱۱	اجرای برنامه‌های محیطی-اکولوژیک به تناسب شرایط روستا	۲۸۱	۸/۹	۲۵	۳۳/۸	۹۵	۳۸/۱	۱۰۷	۱۶/۷	۴۷	۲/۵	۷
۱۲	حفاظت از منابع پایه تولید در نواحی آسیب‌پذیر	۲۷۷	۱۲/۶	۳۵	۳۳/۹	۹۴	۳۳/۹	۹۴	۱۷/۳	۴۸	۲/۲	۶
۱۳	تدوین قوانین و مقررات برای حفظ اراضی کشاورزی	۲۸۱	۱۸/۱	۵۱	۴۶/۳	۱۳۰	۲۵/۶	۷۲	۶	۱۷	۳/۹	۱۱
۱۴	برگزاری رده‌های آموزشی مراقبت از منابع طبیعی	۲۸۸	۹/۴	۲۷	۳۱/۳	۹۰	۳۶/۵	۱۰۵	۱۷/۴	۵۰	۵/۶	۱۶

۱۰	۳/۵	۳۳	۱۱/۵	۹۹	۳۴/۴	۱۰۸	۳۷/۵	۳۸	۱۳/۲	۲۸۸	استفاده از دانش بومی برای مبارزه با آفات گیاهی و دامی
۱۴	۴/۸	۴۳	۱۴/۹	۹۵	۳۲/۹	۱۰۱	۳۴/۹	۳۶	۱۲/۵	۲۸۹	کنترل استفاده از نهاده‌های کشاورزی (سم و کود)
۹	۳/۱	۳۲	۱۱/۲	۹۱	۳۱/۸	۱۱۰	۳۸/۵	۴۴	۱۵/۴	۲۸۶	نظارت بر نظام کاربری اراضی
۳	۱	۱۲	۴/۲	۶۴	۲۲/۲	۱۳۹	۴۸/۳	۷۰	۲۴/۳	۲۸۸	مراقبت بر بهداشت ساکنان و واکسیناسیون جهت پیشگیری از بیماری‌ها
۵	۱/۷	۱۲	۴/۲	۵۴	۱۸/۷	۱۲۶	۴۳/۶	۹۲	۳۱/۸	۲۸۹	مراقبت بر سلامت دام، طیور و آبیان (واکسیناسیون)
۶	۲/۱	۲۲	۷/۶	۸۵	۲۹/۵	۱۳۰	۴۵/۱	۴۵	۱۵/۶	۲۸۸	مراقبت بر وضعیت بهداشتی کاربری‌ها (نانوایی، فروشگاه مواد غذایی)
۱	۰/۴	۱۳	۴/۶	۶۴	۲۲/۵	۱۳۸	۴۸/۴	۶۹	۲۴/۲	۲۸۵	حفظ منابع طبیعی واقع در محدوده قانونی و حریم روستا
۳	۱	۱۲	۴/۲	۴۳	۱۴/۹	۱۳۳	۴۶/۲	۹۷	۳۳/۷	۲۸۸	تهیه طرح‌های پیشنهادی در زمینه محیطی - اکولوژیک
۳	۱	۶	۲/۱	۴۳	۱۴/۹	۱۲۰	۴۱/۵	۱۱۷	۴۰/۵	۲۸۹	تأثیر شرایط جغرافیایی روستاها بر توسعه روستایی
۱	۰/۳	۲۲	۷/۶	۷۳	۲۵/۳	۱۳۰	۴۵	۶۳	۲۱/۸	۲۸۹	تأثیر کنونی مدیریت نوین روستایی بر توسعه محیطی - اکولوژیک
۲	۰/۷	۱۴	۵	۵۷	۲۰/۵	۱۳۱	۴۷/۱	۷۴	۲۶/۶	۲۷۸	تأثیر تنوع جغرافیایی روستاها بر میزان موفقیت دهیاری
۴	۱/۵	۱۱	۴	۳۳	۱۲/۱	۱۳۵	۴۹/۵	۹۰	۳۳	۲۷۳	تأثیر بهبود مدیریت نوین بر توسعه محیطی - اکولوژیک روستایی
۸	۳	۲۵	۹	۷۳	۲۶	۱۱۸	۴۲	۵۹	۲۱	۲۸۳	میانگین

Source: Research findings, 2018

ب) مدیریت نوین روستایی و توسعه کالبدی - فضایی

به منظور بررسی ابعاد «کالبدی - فضایی» توسعه روستایی، ۱۲ گویه به صورت طیف لیکرت در پرسشنامه طراحی شد، به طوری که مهم‌ترین گویه‌ها عبارت‌اند از: جلب نظر مشارکت عمومی روستائیان در سیاست‌گذاری، همکاری با سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی، اجرای مصوبات شورای اسلامی روستا و بررسی و صدور پروانه کسب مشاغل. جدول ۳ توزیع تعداد و درصد پاسخگویان به گویه‌های کالبدی - فضایی را نشان می‌دهد. به طور کلی می‌توان گفت که ۴۲ درصد از پاسخگویان، میزان تأثیر مدیریت نوین روستایی بر توسعه کالبدی - فضایی را در سطح زیاد ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۳. توزیع تعداد پاسخگویان به گویه‌های کالبدی - فضایی

ردیف	گویه‌ها	تعداد پاسخ‌دهندگان		زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
		تعداد	درصد				
۱	صدور پروانه ساخت در محدوده قانونی روستا	۲۸۲	۴۹/۳	۱۳۹	۳۸/۷	۱۰۹	۹/۹
۲	توسعه زیرساخت‌های مختلف در روستا	۲۸۱	۳۴/۲	۹۶	۴۴/۱	۱۲۴	۱۸/۹
۳	ارتقاء کیفیت خانه‌های روستایی و مقاوم‌سازی آن‌ها	۲۸۳	۲۹/۷	۸۴	۴۳/۱	۱۲۲	۲۰/۱
۴	فراهم نمودن زمینه ایجاد کوچه، خیابان، پارک و ...	۲۸۳	۲۴/۷	۷۰	۳۸/۹	۱۱۰	۲۸/۳
۵	اتخاذ تدابیر برای حفاظت در برابر مخاطرات طبیعی	۲۸۴	۲۳/۹	۶۸	۴۳/۷	۱۲۴	۳۶/۴
۶	ایجاد و سازمان‌دهی گورستان و غسلخانه	۲۸۴	۲۶/۱	۷۴	۳۹/۴	۱۱۲	۲۲/۲
۷	میزان همکاری با بنیاد مسکن در اجرای طرح هادی	۲۸۴	۳۳/۵	۹۵	۴۶/۵	۱۳۲	۱۴/۴
۸	نگهداری و تسطیح راه‌های روستایی	۲۸۴	۳۰/۳	۸۶	۳۵/۹	۱۰۲	۲۳/۶
۹	ایجاد مکان‌های فرهنگی، آموزشی، ورزشی و رفاهی	۲۸۰	۲۵	۷۰	۴۵/۴	۱۲۷	۲۲/۵
۱۰	تأمین اراضی موردنیاز مرتبط با اهداف دهیاری	۲۸۲	۲۵/۵	۷۲	۴۳/۳	۱۲۲	۲۱/۳
۱۱	تأثیر کنونی مدیریت نوین روستایی بر توسعه کالبدی - فضایی	۲۸۴	۲۴/۳	۶۹	۴۱/۹	۱۱۹	۲۷/۵
۱۲	تأثیر بهبود مدیریت نوین بر توسعه کالبدی - فضایی روستایی	۲۷۶	۳۳	۹۱	۴۲/۸	۱۱۸	۱۸/۵
۱۳	مجموع	۲۸۲	۳۰	۸۵	۴۲	۱۱۸	۲۱

Source: Research findings, 2018

تجزیه و تحلیل

آمار استنباطی درون فرضیات، بیانگر قابلیت تعمیم نمونه به جامعه آماری است. در بررسی روایی، ابزار سنجش از مشاوره و نظرخواهی متخصصان امر استفاده گردید. جهت پایایی ابزار سنجش نیز، از روش پیش آزمون و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به ویژه برای سؤالاتی که در قالب طیف طراحی شده، استفاده شده است. آلفای به دست آمده از ۲۹۴ پرسشنامه مقدماتی، ۰/۹۷۳ شده است که چون بالاتر از ۰/۷ است نشان می دهد که همبستگی درونی گویه ها زیاد است.

به منظور سنجش بعد کالبدی - فضایی و محیطی - اکولوژیک، گویه هایی برای هر یک از ابعاد در پرسشنامه قرار گرفت. برای محاسبه میزان تأثیرگذاری، باید حاصل جمع امتیازات هر پاسخگو در این گویه ها را به دست آورد. از آنجا که گویه ها در طیف لیکرت طراحی شده اند و دارای پنج گزینه خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و بسیار زیاد می باشند، بنابراین امتیازدهی بر اساس ضرایب ۱ تا ۵ صورت گرفت (خیلی کم = ۱ امتیاز، کم = ۲ امتیاز، متوسط = ۳ امتیاز، زیاد = ۴ امتیاز و بسیار زیاد = ۵ امتیاز) و در نهایت میانگین کل امتیازات گویه ها محاسبه شد و با میانگین طیف (عدد ۳) مقایسه شد. گویه هایی که میانگین امتیازاتشان بیشتر از ۳ شده باشد به عنوان گویه تأثیرگذار در نظر گرفته شدند.

آزمون فرضیات

• فرضیه ۱- بهبود نظام مدیریت نوین روستایی بر توسعه محیطی - اکولوژیک روستاهای ناحیه مرکزی استان گیلان مؤثر است.

فرضیه صفر (H_0): بهبود نظام مدیریت نوین روستایی بر توسعه محیطی - اکولوژیک روستاها مؤثر نیست.

فرضیه مقابل (H_1): بهبود نظام مدیریت نوین روستایی بر توسعه محیطی - اکولوژیک روستاها مؤثر است.

به منظور سنجش بعد محیطی - اکولوژیک، ۲۶ گویه در پرسشنامه طراحی شد. برای محاسبه میزان تأثیرگذاری، باید حاصل جمع امتیازات هر پاسخگو در این گویه ها را به دست آورد. در مجموع، میانگین کل گویه های محیطی - اکولوژیک برابر ۳/۶۸ شده است که چون از متوسط میانگین طیف یعنی ۳ بالاتر شده است بنابراین می توان نتیجه گرفت که بهبود نظام مدیریت نوین روستایی بر توسعه ابعاد محیطی - اکولوژیک روستاها مؤثر است.

در جدول زیر نتایج حاصل از تحلیل t تک نمونه ای آمده است. در این جدول گویه های محیطی - اکولوژیک گروه نمونه با نمره استاندارد ۳ مقایسه شده است. همان گونه که در جدول مشاهده می شود میانگین امتیازات گویه های محیطی - اکولوژیک در گروه نمونه به طور معناداری ($p < 0/05$) از نمره معیار ۳ بالاتر بود. بنابراین فرضیه صفر رد می شود و درستی فرض مقابل اثبات می گردد.

طبق جدول شماره ۴، می توان گفت که گویه های «بهبود وضع زیست محیطی روستا»، «همکاری با واحدهای امداد رسانی در زمان وقوع حوادث»، «مراقبت بر سلامت دام، طیور و آبزیان از طریق واکسیناسیون»، «تهیه طرح های پیشنهادی در زمینه محیطی - اکولوژیک» و «حفظ منابع طبیعی واقع در محدوده قانونی و حریم روستا» در بخش محیطی - اکولوژیک با کسب بیشترین امتیازات، نسبت به سایر گویه ها از اهمیت بیشتری برخوردارند.

جدول ۴. نتایج آزمون t برای گویه‌های محیطی - اکولوژیک

رد	نتیجه تأیید	sig	t	انحراف معیار	میانگین	گویه‌های محیطی - اکولوژیک	ردیف
✓	۰	۲۴/۹۰۵	۰/۷۲۷	۴/۰۷	۱	بهبود وضع زیست‌محیطی روستا	۱
✓	۰	۱۳/۷۸۳	۰/۸۳۲	۴/۶۸	۲	تشویق روستائیان به رعایت سیاست‌های زیست‌محیطی دولت	۲
✓	۰	۲۰/۰۱۷	۰/۸۱۴	۳/۹۷	۳	تأمین بهداشت محیطی روستائیان	۳
✓	۰	۱۵/۸۶۸	۰/۸۷۹	۳/۸۳	۴	تعمیرات انهار عمومی و مجاری آب و فاضلاب و لایروبی	۴
✓	۰	۲۱/۹۴۸	۰/۸۴۴	۴/۱۱	۵	همکاری با واحدهای امداد رسانی در زمان وقوع حوادث	۵
✓	۰	۹/۸۵۲	۰/۹۲۴	۳/۵۴	۶	نظارت بر کشتار بهداشتی دام و عرضه گوشت	۶
✓	۰	-۶/۴۸۰	۱/۲۰۵	۲/۵۳	۷	استفاده از انرژی‌های نو و تجدیدپذیر	۷
✓	۰/۰۳۰	۱۲/۱۰۱	۱/۰۰۹	۳/۷۳	۸	تقویت شبکه بهداشتی و دفع پسماند	۸
✓	۰	۹/۶۳۲	۰/۹۵۹	۳/۵۵	۹	ایجاد نهادها و گروه‌های کار محلی برای حفاظت از منابع طبیعی	۹
✓	۰	۴/۴۲۱	۱/۰۵۶	۳/۲۸	۱۰	حفاظت از گونه‌های گیاهی و جانوری	۱۰
✓	۰	۵/۳۵۸	۰/۹۳۵	۳/۳	۱۱	اجرای برنامه‌های محیطی - اکولوژیک به تناسب شرایط روستا	۱۱
✓	۰	۶/۳۵۴	۰/۹۸۳	۳/۳۸	۱۲	حفاظت از منابع پایه تولید در نواحی آسیب‌پذیر	۱۲
✓	۰	۱۱/۸۹۲	۰/۹۶۸	۳/۶۹	۱۳	تدوین قوانین و مقررات برای حفظ اراضی کشاورزی	۱۳
✓	۰	۳/۵۸۱	۱/۰۲	۳/۲۲	۱۴	برگزاری کلاس‌های آموزشی مراقبت از منابع طبیعی	۱۴
✓	۰	۷/۹۰۹	۰/۹۷۶	۳/۴۵	۱۵	استفاده از دانش بومی برای مبارزه با آفات گیاهی و دامی	۱۵
✓	۰	۵/۸۰۲	۱/۰۳۴	۳/۳۵	۱۶	کنترل استفاده از نهاده‌های کشاورزی (سم، کود شیمیایی)	۱۶
✓	۰	۸/۸۷۰	۰/۹۸۷	۳/۵۲	۱۷	نظارت بر نظام کاربری اراضی	۱۷
✓	۰	۱۸/۱۳۳	۰/۸۴۸	۳/۹۱	۱۸	مراقبت بر بهداشت ساکنان و واکسیناسیون جهت پیشگیری از بیماری‌ها	۱۸
✓	۰	۱۸/۵۹۷	۰/۹۱۱	۴	۱۹	مراقبت بر سلامت دام، طیور و آبزیان از طریق واکسیناسیون	۱۹
✓	۰	۱۲/۰۹۰	۰/۹۰۷	۳/۶۵	۲۰	مراقبت بر وضعیت بهداشتی کاربری‌ها (نانوایی، فروشگاه مواد غذایی)	۲۰
✓	۰	۱۸/۸۰۴	۰/۸۲۲	۳/۹۲	۲۱	حفظ منابع طبیعی واقع در محدوده قانونی و حریم روستا	۲۱
✓	۰/۰۰۸	۲۱/۱۱۲	۰/۸۶۲	۴/۰۷	۲۲	تهیه طرح‌های پیشنهادی در زمینه محیطی - اکولوژیک	۲۲
✓	۰	۲۴/۰۶۴	۰/۸۳۶	۴/۱۸	۲۳	تأثیر شرایط جغرافیایی روستاها بر توسعه روستایی	۲۳
✓	۰	۱۵/۵۵۲	۰/۸۷۷	۳/۸	۲۴	تأثیر کنونی مدیریت نوین روستایی بر توسعه محیطی - اکولوژیک	۲۴
✓	۰	۱۸/۲۴۳	۰/۸۵۸	۳/۹۴	۲۵	تأثیر تنوع جغرافیایی روستاها بر میزان موفقیت دهیاری	۲۵
✓	۰	۲۰/۸۳۷	۰/۸۶	۴/۰۸	۲۶	تأثیر بهبود مدیریت نوین بر توسعه محیطی - اکولوژیک روستایی	۲۶

Source: Research findings, 2018

• فرضیه ۲- بهبود نظام مدیریت نوین روستایی بر توسعه کالبدی- فضایی روستاهای ناحیه مرکزی استان گیلان مؤثر است.

فرضیه صفر (H_0): بهبود نظام مدیریت نوین روستایی بر توسعه کالبدی- فضایی روستاها مؤثر نیست.

فرضیه مقابل (H_1): بهبود نظام مدیریت نوین روستایی بر توسعه کالبدی- فضایی روستاها مؤثر است.

به منظور سنجش بعد کالبدی- فضایی، ۱۲ گویه در پرسشنامه طراحی شد. برای محاسبه میزان تأثیرگذاری، باید حاصل جمع امتیازات هر پاسخگو در این گویه‌ها را به دست آورد. در مجموع، میانگین کل گویه‌های کالبدی- فضایی برابر ۳/۹۴ شده است که چون از متوسط میانگین طیف یعنی ۳ بالاتر شده است بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بهبود نظام مدیریت نوین روستایی بر توسعه ابعاد کالبدی- فضایی روستاها مؤثر است.

در جدول زیر نتایج حاصل از تحلیل t تک نمونه‌ای آمده است. در این جدول گویه‌های کالبدی- فضایی گروه نمونه با نمره استاندارد ۳ مقایسه شده است. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود میانگین امتیازات گویه‌های کالبدی- فضایی در گروه نمونه به طور معناداری ($p < 0/05$) از نمره معیار ۳ بالاتر بود. بنابراین فرضیه صفر رد می‌شود و درستی فرض مقابل اثبات می‌گردد.

طبق جدول شماره ۵، می‌توان نتیجه گرفت که گویه‌های «صدور پروانه ساخت در محدوده قانونی روستا»، «توسعه زیرساخت‌های مختلف در روستا»، «میزان همکاری با بنیاد مسکن در اجرای طرح هادی»، «ارتقاء کیفیت خانه‌های روستایی و مقاوم‌سازی آن‌ها» در بخش کالبدی- فضایی با کسب بیشترین امتیازات، نسبت به سایر گویه‌ها از اهمیت بیشتری برخوردارند.

جدول ۵. نتایج آزمون t برای گویه‌های کالبدی- فضایی

ردیف	گویه‌های کالبدی- فضایی	میانگین	انحراف معیار	t	sig	نتیجه تأیید
۱	صدور پروانه ساخت در محدوده قانونی روستا	۴/۳۴	۰/۷۷۲	۲۹/۲۲۰	۰	✓
۲	توسعه زیرساخت‌های مختلف در روستا	۴/۰۹	۰/۸۲۱	۲۲/۳۳۲	۰	✓
۳	ارتقای کیفیت خانه‌های روستایی و مقاوم‌سازی آن‌ها	۳/۹۴	۰/۹۲۲	۱۷/۱۴۱	۰	✓
۴	فراهم نمودن زمینه ایجاد کوچه، خیابان، پارک و ...	۳/۸	۰/۹۲۳	۱۴/۴۹۵	۰	✓
۵	اتخاذ تدابیر برای حفاظت در برابر مخاطرات طبیعی	۳/۸۶	۰/۸۵۱	۱۶/۹۳۹	۰	✓
۶	ایجاد و سازمان‌دهی گورستان و غسلخانه	۳/۷۶	۱/۰۳۹	۱۲/۳۳۲	۰	✓
۷	میزان همکاری با بنیاد مسکن در اجرای طرح هادی	۴/۰۷	۰/۸۶۹	۲۰/۷۸۹	۰	✓
۸	نگهداری و تسطیح راه‌های روستایی	۳/۸۴	۱/۰۲۴	۱۳/۷۹۶	۰/۰۳	✓
۹	ایجاد مکان‌های فرهنگی، آموزشی، ورزشی و رفاهی	۳/۸۶	۰/۹۲۸	۱۵/۸۳۱	۰	✓
۱۰	تأمین اراضی مورد نیاز مرتبط با اهداف دهیاری	۳/۸۴	۰/۹۳۷	۱۵/۰۰۵	۰	✓
۱۱	تأثیر کنونی مدیریت نوین روستایی بر توسعه کالبدی- فضایی	۳/۸۴	۰/۸۷۵	۱۶/۱۴۵	۰	✓
۱۲	تأثیر بهبود مدیریت نوین بر توسعه کالبدی- فضایی روستایی	۴/۰۳	۰/۸۷۶	۱۹/۴۵۵	۰	✓

Source: Research findings, 2018

نتیجه‌گیری و دستاوردهای پژوهشی

به منظور بررسی مدیریت نوین روستایی در توسعه روستایی ناحیه مرکزی گیلان، تعداد ۱۲۰ روستا انتخاب شدند. مدیریت نوین روستایی به عنوان متغیر مستقل پژوهش و توسعه روستایی با ۲ بعد شامل: محیطی- اکولوژیک و کالبدی- فضایی به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفت. پژوهش از تعداد دو فرضیه تشکیل شده است که طی پژوهش حاضر، هر دو فرضیه تأیید گردید. در آزمون فرضیه اول، اثبات گردید که با بهبود نظام مدیریت نوین روستایی می‌توان زمینه‌های توسعه محیطی- اکولوژیک را در روستاهای ناحیه مرکزی گیلان فراهم نمود. تعداد ۲۶ گویه در پرسشنامه قرار گرفت که با توجه به تحلیل انجام شده، بهبود وضع زیست‌محیطی روستا، همکاری با واحدهای امداد رسانی در زمان وقوع حوادث، مراقبت بر سلامت دام، طیور و آبزیان از طریق واکسیناسیون، تهیه طرح‌های پیشنهادی در زمینه‌های محیطی- اکولوژیک، حفظ منابع طبیعی از بیشترین فراوانی برخوردار بوده است. همچنین درستی و ارتباط متغیرها در فرضیه از طریق آزمون t مورد تأیید قرار گرفت. در بررسی دوم اثبات گردید که با بهبود نظام مدیریت نوین روستایی می‌توان زمینه‌های توسعه کالبدی- فضایی را در روستاها فراهم نمود. تعداد ۱۲ گویه در پرسشنامه قرار گرفت که با توجه به تحلیل انجام شده، گویه‌های «صدور پروانه ساخت در محدوده قانونی روستا»، «توسعه زیرساخت‌های مختلف در روستا»، «میزان همکاری با بنیاد مسکن در اجرای طرح هادی»، «ارتقای کیفیت خانه‌های روستایی و مقاوم‌سازی آن‌ها» در بخش کالبدی- فضایی با کسب بیشترین امتیازات، نسبت به سایر گویه‌ها، از بیشترین فراوانی برخوردار بوده است. همچنین درستی و ارتباط متغیرها در فرضیه از طریق آزمون t مورد تأیید قرار گرفت. براین اساس و با توجه به مطالعات انجام شده در محدوده مورد مطالعه؛ دستاوردهای پژوهشی به شرح زیر بیان می‌گردد:

الف: جامعه روستایی در ناحیه مرکزی استان گیلان در تقابل با جامعه شهری، دچار چالش‌های فراوانی است. در شرایط فعلی بسیاری از مسائل در شهرهای ناحیه مورد مطالعه که حدود ۷۰ درصد جمعیت شهری استان در شهرهای ناحیه مرکزی سکونت دارند؛ مانند کمبود مسکن، حاشیه نشینی، کمبود خدمات شهری، بورس بازی زمین و ... کاملاً با روستاها در ارتباط است. چرا که به دلیل فاصله نزدیک بین تعداد زیادی از روستاهای ناحیه مرکزی با شهرهای آن؛ به خصوص در نواحی جلگه‌ای و ساحلی؛ دامنه این مشکلات به روستاهای ناحیه مرکزی نیز کشیده شده است.

ب: جامعه روستایی ناحیه مرکزی گیلان، به جهت نقش مهمی که در تولید محصولات زراعی، باغی، دامی و ... دارد؛ جامعه‌ای ارزشمند در سطح ناحیه، استان و حتی کشور است. به عبارتی نظام روستایی به واسطه توانایی‌های اجتماعی، فرهنگی و مهم‌تر از همه اقتصادی، نیازمند توجه بیشتری از سوی برنامه‌ریزان و پژوهشگران است. بنابراین توسعه پایدار و هماهنگ روستایی ناحیه مرکزی گیلان، در ابعاد مختلف یکی از ضرورت‌های نظام برنامه‌ریزی است. که باید مورد عنایت بیشتر مسئولین قرار گیرد.

پ: تحقق توسعه پایدار روستایی ناحیه مرکزی گیلان؛ در گروی مدیریت توسعه در همه ابعاد، در نقاط شهری و روستایی ناحیه مرکزی است و کم‌توجهی به آن؛ موجب عقب ماندگی در همه حوزه‌ها خواهد شد. لذا ضرورت دارد توسعه متوازن و پایدار روستایی ناحیه مرکزی مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

ت: استقرار جمعیت روستایی در سکونتگاه‌های مختلف ناحیه مرکزی گیلان؛ لزوم برنامه‌ریزی و تدوین راهبردهای استراتژیک جهت تحقق توسعه پایدار در ابعاد کالبدی - فضایی را دو چندان کرده و در صورت تحقق آن؛ موجب ارتقای کیفیت زندگی روستائیان در ناحیه مرکزی گیلان خواهد شد. برنامه‌ریزی توسعه کالبدی - فضایی سکونتگاه‌ها به‌عنوان بخشی از فرایند توسعه پایدار منطقه‌ای زمینه‌تثبیت، نگهداشت و جذب جمعیت و به تبع آن فعالیت را برای آنان فراهم می‌نماید؛ زیرا توسعه کالبدی - فضایی ناحیه مورد مطالعه و برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌های مربوط به آن با تکیه بر نگرش سیستمی هم به وضع موجود و هم آینده توجه دارد.

ث: امروزه توجه به محیط‌زیست در تمامی جوامع؛ از جایگاه والایی برخوردار است. این امر مهم در جوامع روستایی ناحیه مرکزی استان گیلان به لحاظ حساسیت و شکنندگی محیط زیست، اهمیتی دوچندان دارد. به خصوص که یکی از مهمترین مشکلات مردم ناحیه مورد مطالعه وضعیت نامناسب پسماند و عدم دسترسی به سیستم‌های بازیافت و تصفیه شیرابه‌های زباله است. مسائلی از قبیل: جمع‌آوری زباله‌ها، نظیف انهار عمومی و مجاری فاضلاب، تقویت شبکه بهداشتی و پسماند، کشتار بهداشتی دام و ...؛ زمینه‌ساز دستخوش تغییرات در محیط‌زیست روستایی را فراهم آورده است. شناخت و ارزیابی مسائل فوق و بسیاری از مسائل دیگر در زمینه زیست‌محیطی در ناحیه مرکزی گیلان برای رفع آن توسط مدیریت نوین روستایی باید مورد توجه سیاست‌گذاران و مجریان برنامه‌های توسعه روستایی قرار گیرد.

ج: شرایط پایداری بوم‌شناختی و محیطی باید بطور جدی مطرح شود. توجه به پایداری بوم‌شناختی در ناحیه مرکزی گیلان موجب می‌گردد که گسترش توسعه منجر به ایجاد تغییرات نامطلوب در اکوسیستم نشود. بعد محیطی

دارای شاخص‌هایی است که شامل: آب‌های زیرزمینی، آب شیرین، کشاورزی و امنیت غذایی، شهرسازی، مناطق ساحلی، حفظ تپه‌های مرجانی و محیط زیست دریا، آبریزان، تنوع گونه‌ها و بیوتکنولوژی، مدیریت پایدار جنگل‌ها، آلودگی هوا و تخریب لایه ازن، تغییر اقلیم جهانی و بالا آمدن آب دریاها، بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی، گردشگری پایدار، تغییر کاربری اراضی؛ می‌باشد که باید به صورت ویژه در برنامه ریزی‌ها مورد توجه مسئولین و دست‌اندرکاران امر قرار گیرد.

چ: با توجه به تعدد سازمانهای متولی در امور روستاها؛ متوجه می‌شویم که با وجود اینکه سازمان‌های متعددی در روستاهای ناحیه مرکزی گیلان حضور دارند؛ همچون سایر روستاهای کشور؛ اما هنوز یک سازمان مستقل و مخصوص متولی مدیریت روستائی وجود ندارد و از این رو اقداماتی که در جهت توسعه روستائی توسط این سازمانها در محدوده مورد مطالعه انجام می‌شود؛ فاقد هماهنگی لازم می‌باشد. طی ۷ دهه برنامه ریزی در کشور، در اکثر برنامه‌ها، به دلیل فقدان استراتژی و الگوی مناسب، روستاها، از جایگاه مناسبی برخوردار نبوده و متعاقب آن، مسائلی چون محرومیت بیش از پیش روستاها در مقایسه با شهرها، افزایش روز افزون شکاف بین شهر و روستا، کاهش نسبت جمعیت روستائی و شهری، شکل‌گیری الگوهای عدم تعادل ناحیه‌ای، مهاجرت گسترده به شهرها، کاهش مشارکت، بالابودن نرخ بیکاری، فقر، فرسایش خاک، آلودگی زیست‌محیطی و ... در سطح کلان فراهم آمده است.

ح: قدمت بسیار زیاد مدیریت محلی چه از لحاظ حقوقی و قانونی، جایگاه مدیریت و نقش آن هنوز نتوانسته از جایگاه مناسبی برخوردار گردد. بهترین مستندات و گواه این نکات گسترش فقر، تشدید فاصله طبقاتی میان شهر و روستا، تخریب رو به ازدیاد منابع طبیعی، چالش‌های فرهنگی، اقتصادی و ... در سطح روستاهای ناحیه مرکزی گیلان است که نشان از عدم کارآمدی نظام مدیریت در نواحی روستائی این ناحیه دارد. و پر کردن خلاء مدیریتی روستاها، انتقال مدیریت از دولت به مردم، اجرای سیاست عدم تمرکز، سپرده شدن کار مردم به مردم و ارتقاء مشارکت، سرعت بخشیدن به جریان کارها و امور مردم، رفع تبعیض، هدایت و رهبری امور محلی و منطقه‌ای، نیروسازی و رشد استعدادهای مردمی از مهم‌ترین وظایف شوراهای اسلامی روستا در این دوره بوده است. با اعمال مدیریت‌های متفاوت در نواحی روستائی، طی دهه‌های اخیر و به دلیل عقب ماندن روستاها نسبت به شهرها، نیاز به ارائه یک مدل مناسب و به‌روز تر مدیریت روستائی را دوچندان می‌کند.

خ: با وجود اهمیت راهبردی نواحی روستائی و نقش غیرقابل انکار آن در تولید محصولات کشاورزی و جذب گردشگران داخلی و خارجی، روستاهای ناحیه مرکزی استان گیلان با چالش‌های زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند که عبارتند از: عدم برابری روستاها با شهرها در برنامه ریزی‌ها و تخصیص اعتبارات ملی - استانی و شهرستانی، بی‌توجهی به همه ابعاد توسعه روستائی و توجه صرف به کالبد روستاهای ناحیه مورد مطالعه به خصوص توسط بنیادمسکن، عدم تفویض اختیار کامل به دهیاران، بروزرسانی وظایف و اختیارات دهیاران و ... که می‌بایست یک سازمان متولی امور روستائی تاسیس گردد تا بتواند نسبت به اجرای سیاستها و راهبردهای توسعه ای روستاها اقدام نماید.

د: تحقق توسعه‌ی پایدار روستائی، بدون توجه به دانش مدیریت؛ ممکن نیست و مدیریت روستائی مقوله مهمی در نظام توسعه روستائی کشورهاست. مدیریت روستائی در واقع، فرایند سازماندهی و هدایت جامعه و محیط روستائی از طریق شکل دادن به سازمان‌ها و نهادهای مختلفی است که به عنوان ابزار تامین اهداف جامعه روستائی هستند؛ اهدافی که مردم آن را ترسیم کرده و قبول دارند.

ذ: از طریق بهبود نظام مدیریت روستائی می توان در ابعاد مختلف، توسعه روستائی را در ناحیه مرکزی استان و همچنین در سایر نقاط روستائی کشور تحقق بخشید. لذا بسترسازی برای تغییرات مثبت در مدیریت روستائی گام اول در توسعه پایدار روستائی است. نظام مدیریت نوین روستائی در ناحیه مرکزی گیلان، با رویکرد مشارکتی و یکپارچه می تواند، نگاه سیستمی به جامعه روستائی داشته و در نهایت توسعه همه جانبه روستاها را محقق سازد.

ر: به سیاستگذاران در حوزه مدیریت روستائی استان گیلان پیشنهاد می‌شود تا با تصویب قوانین جدید، شرایط لازم جهت واگذاری کلیه امور مدیریتی روستا به دهیاران و شوراهای اسلامی را مهیا سازند. و جهت راهبری دهیاران؛ سازمان امور روستائی تاسیس نموده و کلیه امورات روستائی به آن واگذار گردد و دهیاری را از حوزه وزارت کشور، استانداری ها، فرمانداری ها و بخشداری ها منفک نموده و تحت مدیریت این سازمان درآورند.

ز: توصیه می‌شود ادارات و سازمانهای دولتی استان گیلان، جایگاه دهیاری را به‌عنوان یک سازمان عمومی غیردولتی و جایگاه شورای اسلامی را به عنوان نهاد تصمیم‌گیری در امور روستا به رسمیت بشناسند و در هرگونه تصمیم‌گیری‌ها، نسبت به هماهنگی با این دو نهاد مردمی مبادرت ورزند.

س: توصیه می‌شود جهت تقویت بنیه مالی دهیاری های مورد مطالعه، فرمانداری های شهرستانهای رشت، انزلی، رودبار، صومعه سرا، فومن و شفت با پیگیری از استانداری و سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان؛ نسبت به افزایش اعتبارات عمرانی آنها اقدام نمایند و از دهیاران به عنوان دستگاه اجرایی در کمیته برنامه ریزی شهرستان کرسی داده شود.

ش: توصیه می‌شود بخشداران و فرمانداران ناحیه مورد مطالعه به جای چشم‌داشتن به اعتبار ناچیز دهیاری ها و توصیه برای صرف این اعتبارات در سایر امورات، به استقلال این نهادهای عمومی غیر دولتی احترام بیشتری بگذارند.

ص: توصیه می شود سازمان های جهاد کشاورزی، صنعت، معدن و تجارت و میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری نسبت به تهیه بسته‌های حمایتی اشتغال‌روستائی اقدام نمایند.

ض: با توجه به تک بعدی بودن طرح های هادی روستائی و بی توجهی و کم توجهی به سایر موارد؛ توصیه می شود سیاستگذاران و دست اندرکاران، نسبت به جایگزینی طرح‌های توسعه ویژه روستاها مبادرت نمایند.

با توجه به یافته‌ها و مشاهدات میدانی انجام گرفته حاصل از پژوهش، مدیریت نوین روستائی در ناحیه مرکزی گیلان در بعد محیطی- اکولوژیک و کالبدی- فضایی دارای مشکلاتی هستند. لذا پیشنهادهایی در هر یک از ابعاد توسعه روستائی ارائه می‌شود:

- بعد محیطی - اکولوژیک

- برنامه‌های کارشناسی و فنی برای مدیریت پسماندهای روستایی تهیه و اجرا گردد. همچنین با توجه به اینکه مکانهای فعلی انباشت زباله در ناحیه مرکزی گیلان؛ نواحی روستایی است که تبعات مختلفی را برای روستائیان داشته و خواهد داشت؛ از قبیل: افزایش فعالیت مگس و حشرات موذی، انتشار بوی نامطبوع، آلوده شدن آبهای زیرزمینی با شیرابه های زباله، از بین رفتن عرصه های جنگلی و منابع طبیعی و ...؛ این موضوع باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد و از تجارب سایر کشورها استفاده گردد.

- اعتبارات لازم جهت اجرای پروژه‌های جمع‌آوری آب‌های سطحی و تفکیک فاضلاب خانگی از آب‌های سطحی تزریق گردد.

- با توجه به افزایش تعداد تغییر کاربری های اراضی کشاورزی به خصوص جهت ویلاسازی توسط غیر بومیان؛ دهیاران با همکاری سازمان‌های قضائی و دولتی نظارت لازم بر جلوگیری از تغییر کاربری اراضی زراعی را معمول دارند.

- اداره ترویج جهاد کشاورزی ضمن برگزاری جلسات آموزشی و فنی برای کشاورزان، کشت‌های دوستدار طبیعت و کنترل آفات گیاهی به روش‌های بیولوژیک، استفاده از گونه‌های مقاوم در برابر آفات و گیاهان با نیاز آبی کم را مورد آموزش قرار دهد.

- تمهیدات لازم جهت واگذاری و تفویض اختیار مسئولیت حفاظت از عرصه‌های طبیعی، نظیر جنگل و مرتع از اداره منابع طبیعی و آبخیزداری به دهیاران اجرایی گردد.

- سازمان آب منطقه‌ای دوره‌های آموزشی جهت جلوگیری از برداشت غیرمجاز آب‌های زیرزمینی برای زراعت یا سایر موارد را برای دهیاران و کشاورزان برگزار نماید و توصیه‌های لازم و راهکارهای جایگزین را با همکاری اداره جهاد کشاورزی به آن‌ها آموزش دهد. و همچنین از حفر چاههای غیر مجاز و همچنین برداشت بی رویه از آب تالاب انزلی که توسط کشاورزان سه شهرستان پیرامون تالاب (رشت، انزلی و صومعه سرا) پمپاژ می شود و موجب کاهش عمق آب تالاب در سالهای اخیر گردیده و امکان خشک شدن تالاب، برهم خوردن اکوسیستم منطقه، و امکان ایجاد ریزگرد تمام ناحیه را تهدید می کند، جلوگیری نماید.

- با توجه به وجود پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های محیطی در روستاهای ناحیه مرکزی گیلان، سازمان هدفمند کردن یارانه‌ها، سازمان محیط‌زیست، سازمان انرژی‌های نو و سایر مراجع ذی‌ربط، تمهیدات لازم جهت استفاده از انرژی‌های نو و تجدیدپذیر برای روستاهای ناحیه مرکزی گیلان را فراهم نماید.

▪ بعد کالبدی - فضایی

- زیرساخت‌های لازم برای رونق اقتصادی و تحقق توسعه متوازن روستاهای ناحیه مرکزی گیلان به صورت اشتراکی و متناسب با نیازها و شرایط خاص ناحیه فراهم گردد.

- برنامه ریزان و سیاستگذاران در سطح ناحیه مورد مطالعه، طرح‌ها و برنامه‌های کالبدی که از مشارکت بیشتر روستائیان برخوردار است را در اولویت اعتباری و اجرایی قرار دهند.

- دهیاران و کارشناسان فنی دهستانهای ناحیه مرکزی گیلان؛ نظارت‌های کارشناسی و فنی در کیفیت خانه‌های روستایی و مقاوم‌سازی آنها در برابر سوانح و مخاطرات محیطی را با هماهنگی سازمان نظام مهندسی استان گیلان معمول دارند.
- با توجه به تغییراتی که در نیازها و ظرفیتهای روستاهای ناحیه مرکزی گیلان به خصوص در سالهای اخیر ایجاد شده است؛ بازنگری طرح هادی روستایی هر پنج سال انجام گیرد و مسئولیت تهیه آن به دلیل اشرافیت به شرایط و نیازهای روستاها به دهیاران واگذار گردد.
- با توجه به وضعیت و کیفیت نامناسب آب شرب روستایی در ناحیه مرکزی گیلان؛ و قدیمی و فرسوده بودن تاسیسات، تجهیزات و شبکه آبرسانی این مناطق؛ نسبت به نوسازی تاسیسات و شبکه آبرسانی اقدام گردد.
- با توجه به عدم وجود بانک اطلاعاتی روستاهای ناحیه مرکزی گیلان؛ دهیاران شناسنامه اطلاعات روستا شامل اطلاعاتی از وضعیت تاسیسات روستایی، وضعیت استحکام آنها، تعداد و نوع ماشین‌آلات کشاورزی عمومی و شخصی، مساحت اراضی کشاورزی، میزان تولید محصولات زراعی، باغی و دامی و ... را تهیه نمایند تا در برنامه ریزی ها مورد استفاده قرار گیرد.

References

- Abdolahi; Eivaz; Chizeri, Mohammad, Pezeshkirad, Gholamreza, & Alizadeh, Neda (2009). Analysis of the Participation of Popular Associations in the Promotion Programs on Sustainable Rural Development with Case Study of Islamic Councils. [in persian]
- Badri, Ali. (2011). Rural Management Challenges and Leadership Policies, Quarterly Journal of Policy Making, Vol. 2, No. 3, P: 147-180. [in persian]
- Badri, Ali. & Mousavi, Aref. (2009). new rural management, publishing: New passion, Tehran. [in persian]
- Barghi, Hamid; Ghanbari, Yousef, & Afsharianpoor, Ali (2014). Evaluation of Dehيران's Performance in the Development of Rural Economy Economies from the Perspective of Residents (Dehjari Dehbekardi; Bam Province), Space Planning Quarterly, Vol. 4, No. 4, P: 87-104. [in persian]
- Daneshvar ameri, Jila; Shaabanali, Hosein & Shoukati, Mohammad (2016). The satisfaction of villagers with the performance of dairy farmers in the modern rural management of the city of Osko, Human Geography Research, Vol. 48, No. 3, P: 493-506. [in persian]
- Dashti, Solmaz; Manoori, Masoud, & Sabaz, Gholamreza (2008). Strategies for achieving sustainable rural development using environmental assessment of Zakhrad watershed, Environmental Sciences, No. 2. [in persian]
- Eltiamifar, Parsa. (2014). Resale Evaluation of Islamic Councils with Sustainable Rural Development Approach (Case Study: Patavou Village), University of Sistan and Baluchestan. [in persian]
- Fetres, Mohammadhasan; Nemati, Morteza, & Akbari, Azam (2011). Human Development Indicators of Iran in 2010, Political and Economic Information Magazine, Vol. 25, No. 8, P: 110-123. [in persian]
- Hasanshahi, Hajar; Sadati, Abolhasan, & Rezaee, Abdolmoteleb (2009). Sustainable Natural Resources Management Analysis among Behbahan Farmers (A Study in Khuzestan Province), Quarterly journal of environmental sciences, No. 2. [in persian]
- Heidarisareban, Wakil (2015). Factors Improving Rural Development Management from Locals, Village and development, Vol. 18, No. 4. [in persian]
- Hoseiniabri, Hasan (2001). Entrance to the rural geography of Iran, Isfahan University Press. [in persian]
- Jahangiri, Ali; Hajalizadeh, Ahmad, & Heidarvand, Masoud (2012). Review of Current Situation and Barriers to Rural Management in Iran (Namin City), National Conference on Rural Development. [in persian]

- Kabolifard, Neda (2016). Dissertation for the study of the effect of dehayar function on sustainable rural development in Zanjan, Zanjan University. [in persian]
- Karimi, Farzad, & Ahmadvand, Mostafa (2014). Situation Assessment and Prioritization of Sustainable Development Indicators in Rural Areas of Central District of Boyer Ahmad, Rural research, Vol. 5, No. 3, P: 663-690. [in persian]
- Mahdavi, Masoud, & Najafi kani, Alireza (2005). Dehjari another Experiences in Managing Villages in Iran (Case: Dehayari of West Azarbaijan Province), Geographic research, No. 53, P: 21-39. [in persian]
- Molae Hashjin, Nasrolah (2018). Income on Pathology of Rural Management in Iran, Azad university of Tehran. [in persian]
- Molae Hashjin, Nasrolah (2015). Feasibility study and presentation of rural management model in mountainous villages without dehyar and Islamic council of Guilan province, Research project, Islamic Azad University of Rasht Branch, P: 100-142. [in persian]
- Moteelangrodi, Hassan (2014). Rural Planning Paper with emphasis on Iran, Jihad University Press. [in persian]
- Olum, Y. (2004). MODERN MANAGEMENT THEORIES AND PRACTICES, Being a paper presented at the 15th East African Central Banking Course, held on 12th July, at Kenya School of Monetary Studies, pp: 1-24.
- Papoliyazdi, Mohammadhosein (2011). Theories of Rural Development, Publication side, Sixth Edition, Tehran. [in persian]
- Rezvani, Mohammadreza (2011). Rural Development Planning in Iran, Gomes publishing, fourth edition, Tehran. [in persian]
- Rezvani, Mohammadrez (2007). Manage local institutions, Monthly diary, No. 21. [in persian]
- Sayd, J. (2000). Role of local communities and institutions in integrated rural development, Ministry Of Jihad For Tehran.
- Seidaee, Skandar; Jamini, Davood; Jamshidi, Alireza, & Jamshidi, Maesoomeh (2014). Investigating and analyzing the performance of rural modern managers in rural development (Uramanat region of Kermanshah), Space Planning Quarterly, No. 4. [in persian]
- Sepehrdoost, Hamid (2009). A Survey on Government Performance in Economic-Social Development of Villages in Hamedan Province, Village and Development Quarterly, Vol. 12, No. 2, P: 69-85. [in persian]
- Setayesh, Shilan (2011). Determination of the Development Levels of Bukan Village Villages, Master's thesis, Payame Noor University of Urmia. [in persian]
- Stelaji, Alireza. (2012). Investigating Rural Management Pattern in Iran with Emphasis on Local and Participatory Management of Dehayari, Quarterly journal of Iranian Geographic Society, Vol. 10, No. 32. [in persian]
- Shayan, Hamid; Hoseinzadeh, Seyedrza, & Khosrobeigi, Reza (2011). Sustainability and Rural Development Evaluation, Case Study: Kandyan County, Geography and development, No. 24, P: 101-120. [in persian]
- Sheikhi, Hojat; Parizadi, Taher, & Varmziar, Bijan (2013). Evaluation and evaluation of farmers' performance in rural development and management process in Hamadan, Space Planning Magazine, Vol. 3, No. 3. [in persian]
- Smaeelzadeh, Hasan; Sarafi, Mozafar, & Tavakolinia, Jamile (2011). An Analysis of the Approaches of Tourism Development in Local Communities, Quarterly journal of environmental sciences, No. 2. [in persian]
- Sriram, M.S., (2007). Rural management education in India: A retrospect, Indian Institute of Management Ahmedabad.
- Shahbazi, Smaeel (2010). An Introduction to Pathology of Rural Development, Shahid Beheshti University Press, Tehran. [in persian]
- Taghdisi, Ahmad; soori, Farshad; Seidaee, Skandar & Kazemi, Zeinab (2011). Investigating and analyzing the performance of farmers in rural management (Case study: Kunani section of Kuhdasht city), Urban Management Quarterly, P: 157-174. [in persian]

- Tatlidil, F.F., Boz, I., Tatlidil, H., (2009). Farmers' perception of sustainable agriculture and its determinants: A case study in Kahramanmaras province of Turkey, *Environ. Dev. Sustain*, Vol. 11, pp 1091-1106.
- Wenchang, W. (2008). Rural management, The Way Out for Tibetan Rural Areas, CHINA TIBETOLOGY Number 1, pp 1-94.